

بهمن ماه ۱۳۹۲

## سوره مبارکه الرحمن از منظر سبک شناسی

علی نظری<sup>۱</sup>  
افتخار لطفی<sup>۲</sup>

چکیده:

قرآن کریم که سرشار از مفاهیم ژرف و عمیق است و در آن چراغهای روشنی بخش هدایت است، زیبایی جملات و لطائف تعبیرش و بافت منسجم و بی نظیرش بیانگر این است که کلامش دارای بیانی والاتر از زبان بشر است. و سوره ی الرحمن که سوره ی رحمت و نعمت و عروس قرآن نامیده شده، در بردارنده ی تعداد زیادی از نعمتهای خداوند است که بر مخلوقاتش بویژه جن و انس ارزانی داشته است. این سوره مبارکه هم به واسطه نام شریفش و هم به سبب ساختار یکتایش از زیبایی بی نظیری برخوردار است. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی، بر آن است عناصر سبکی سوره الرحمن در سه سطح آوایی، نحوی، تصویر پردازی، و میزان انسجام این سطوح با همدیگر به روشی توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده شود. در سوره الرحمن، سطح آوایی به خلق موسیقی و اثر گذاری بیشتر کلام و هماهنگی و توازن اختصاص یافته است. در سطح ترکیبی با الفظی زیبا و اسلوب بیانی دقیق و الفاظ و جملاتی هماهنگ خارق العاده ای روبرو هستیم و در سطح تصویرپردازی با ارائه ی تصاویر زیبا، عنایات الهی محسوس جلوه داده شده تا مخاطب را در درک مفاهیم یاری دهد و معانی مورد نظر را در ذهن او تثبیت نماید.

کلید واژه ها: الرحمن، سبک شناسی، سطح آوایی، سطح ترکیبی، تصویر پردازی

۱- مقدمه

قرآن کریم در عرصه ی وحی و نزول که در لباس الفاظ تجلی یافته است نوری است که از جانب خداوند بر عالم بشریت عرضه شده و سرگشتگان وادی گمراهی را به سرمنزل موعود و مقصود هدایت می کند. سبک شناسی

۱ - دانشیار دانشگاه لرستان alinazary2002@gmail.com

۲ - کارشناسی ارشد دانشگاه لرستان eftexharlotfi@yahoo.com

بهارن ماه ۱۳۹۲

سورهای قرآن کریم مورد توجه برخی از ادبا قرار گرفته است که می توان به "بررسی سبک قصه ی اصحاب کهف در قرآن و کتاب مقدس" اثر مریم تیموری، "بررسی سبک شناسانه ی سوره ی مریم" از سمیه حسنعلیان، "سبک شناسی سوره تکویر" اثر علی نظری و کبری خسروی و سمیرا جدی، رساله "دراسة اسلوبیة فی سورة الکهف" اثر مروان محمد سعید عبدالرحمن، "بست واژگانی (میثاق غلیظ) و سیستم شبکه واژگان موسایی در حوادث داستان قرآنی موسی (ع)" اثر علی نظری، "تصویرپردازی انسان در عرصه قیامت(در جزء سی ام قرآن کریم)" اثر کبری خسروی و علی نظری و سمیرا جدی، "اعجاز لفظی قرآن کریم از منظر تناسب و بست کلمات طیبه" اثر علی نظری و معصومه یوسفوند، اشاره کرد. لکن در زمینه ی بررسی سبک شناسانه ی سوره ی مبارکه ی الرحمن بر اساس اطلاعات نگارندگان پژوهش مستقلی یافت نگردید.

این مقاله در صدد است به بررسی سبک شناسی سوره ی مبارکه ی الرحمن در سه سطح آوایی (فواصل و ساختار آوایی واژگان، تکرار اصوات و جناس)، ترکیبی (تکرار، لفظ مثنی، استفهام، فعل مضارع، تقدیم و تأخیر) و تصویر پردازی هنری به روشی توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد تا گوشه هایی از راز و رمزهای هنری که در درک و فهم عظمت قرآن و به تبع آن در شناخت خالق آن مؤثر بوده است، آشکار سازد.

## ۱-۱ مفهوم شناسی سبک و سبک شناسی

لفظ اسلوب (سبک) در زبانهای اروپایی از اصل لاتین آن "stilus" به معنای قلمو گرفته شده است سپس از طریق مجاز به مفاهیمی که همه به روش کتابت و نوشتار مربوط می شوند انتقال یافته است و ابتدا به روش کتابت دستی حاکم بر دست نوشته ها و سپس بر تعبیرات زبانی ادبی اطلاق می شد. (فضل، ۱۹۹۸: ۹۳) و واژه ی سبک شناسی معادل لفظ "stylistics" است به معنای بررسی ویژگی های سبکی یک نویسنده ی معین در قلمرو کاری معین مثل روزنامه نگاری و حقوق یا در حوزه های معین. (قاموس اکسفورد، واژه ی stylistics) اما در زبان عربی لفظ اسلوب از ماده ی «سلب» گرفته شده به معنای ربودن، اختلاس کردن. و در التهذیب آمده است هر چیزی از لباس که بر تن انسان باشد، آنچه را که از سلاح، لباس و حیوان بارکش که جنگجو در جنگ آن را از حریفش بگیرد. واسلوب همان ردیفی از درختان خرما است، هر راهی که ممتد و ادامه دار باشد، راه، شیوه و سبک، وهمچنین فن و هنر و راهی که در پیش گرفته شود و جمع آن اسالیب است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ماده ی سلب)

بهارن ماه ۱۳۹۲

اما طبق نظر صلاح فضل در کتاب "علم الاسلوب" کامل ترین تعریف اصطلاحی برای سبک آن است که ابن خلدون در کتاب "المقدمه" بدان اشاره کرده است. «سبک همان روشی است که ترکیبها بر محور آن در هم تنیده می شوند و به نظم در می آیند و یا قالبی که ترکیب در آن ریخته می شود». (فضل، ۱۹۹۸: ۹۴) در حقیقت سبک بر آمده از ترکیبات ذهنی نظام یافته ای است که فرد ترکیبات خاصی را بر آنها منطبق می سازد، شکلی که ذهن آن را از ترکیبات کلی ذهنی انتزاع نموده و در خیال بافت و قالب آن را چینش می کند. (همان) مقاله حاضر به سبک شناسی سوره ی الرحمن در ۳ سطح آوایی، ترکیبی و تصویر سازی خواهیم پرداخت.

## ۱. سطح آوایی

زبان عبارت است از نظامی از راز و رمزهای متکامل که به اشارات موجود بین موجودات زنده معنا می بخشد که این رموز در زبانی که انسان ها بوسیله ی آن با هم در تعاملند، در قالب الفاظی دارای معنا تجسم می یابند (عکاشه، ۲۰۰۶: ۱۸) و حدود آن همان اصواتی است که توسط آن هر قومی از مقصود خود پرده بر می دارد (ابن جنی، بی تا، ج ۱: ۳)

تحلیل زبانی متون ادبی به همراه آنچه را که از آوا و موسیقی (موسیقی درونی و بیرونی) در آن به ودیعه گذاشته شده است و همچنین تأثیر آن بر ساختار کلی متن ادبی طبیعتا ما را در فهم اثر ادبی، پرده بر داشتن از جوانب زیبایی آن یاری می دهد (رفیق احمد صالح، ۲۰۰۳: ۴) موسیقی نثر را زیبا و به آن رنگ هنری می دهد. موسیقی از آوای حروف و حرکات، انتخاب کلمات و جایگاه آنها و نظمشان در فقرات، طولانی بودن یا کوتاه بودن کلمات و فواصل و ... حاصل می شود. در این سطح ما به بررسی اهمیت فواصل، آوایی ناشی از واژگان و اصوات و جناس در ایجاد موسیقی خواهیم پرداخت.

## ۱-۱ فواصل

از نظر لغوی فاصله ج-فَوَاصِلُ: مؤنث (الفَاصِلِ) است، مهره درشت که میان دو مهره در گردنبنند قرار گیرد، علامت ویرگول که میان دو جمله قرار می دهند و در سجع مانند قافیه در شعر است. (مهیار، بی تا: ماده ی فصل)

از نظر اصطلاحی فواصل حروف مشابهی در مقاطع کلمات می باشند که به نیکو فهمیدن معانی منجر می شود. (الرمانی، ۱۹۳۴: ۱۹) فاصله را فاصله می نامند زیرا آن، دو سخن را از هم جدا می سازد و آخر آیه ی قبل و بعد را از هم جدا می سازد. فاصله، زمان استراحت (مکث) در سخن گفتن است و به زیبا جلوه دادن کلام می

بهمین ماه ۱۳۹۲

افزاید (الزرکشی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۵۴) آن، ابتدا و انتهای کلام را مشخص می کند با وقف بر آن، نفس خواننده استراحت می کند و به خاطر هماهنگی (موجود در الفاظش) به طرب در می آید.

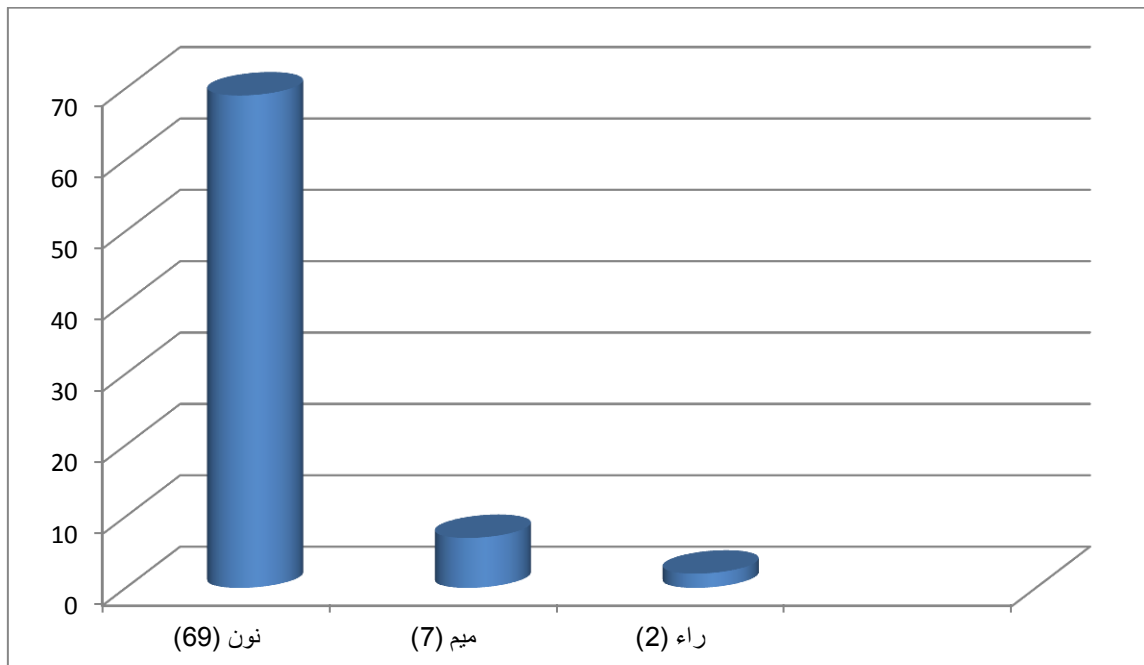
از سوی دیگر با معنا مرتبط است، رابطه ی آن با معنا این است که معنای کل فقره در لفظ فاصله محقق می شود و مضمون آن در آخرین کلمه متمرکز می گردد. جایی که خواننده احساس می کند که معنا به اتمام رسیده است. لذا او تنها به فواصل توجه نمی کند مگر اینکه همزمان با آن به ابقاء معانی با وجود استحکامشان اهتمام ورزد به شیوه ای که نظام نیکو و هماهنگ آن را اقتضاء می کند. (قطنانی، ۱۴۲۰: ۲۱)

یکی از عناصر موسیقایی که پراکندگی همه جانبه ی آن در سطح آوایی ساختار این سوره، چیدمان و تناسب عجیب بین فواصل می باشد. کسی که سوره الرحمن را تلاوت کند هماهنگی شگرف و ترتیب وقفی خاص حاکم بر آیات شریفه ی آن را به خوبی احساس می کند. شاید به جرأت بتوان گفت کمتر سوره ای در قرآن کریم یافت می شود که با وجود کثرت آیاتش، نظام هماهنگ و موسیقی آفرین آن به پای سوره الرحمن برسد و انتساب لقب عروس قرآن درخور سوره ی الرحمن بوده است.

چون فاصله، ارتباط هنری بین کلمات است و زیبایی و جذابیت کلام را مضاعف می کند، استفاده از آن در گستره ی سوره، باعث به وجود آمدن لذت هنری در مخاطب می شود و با ایجاد ارتباط و هماهنگی خاص بین الفاظ و همچنین جملات به ایجاد موسیقی بیشتر و انسجام در سطح کلی سوره منجر می گردد.

در سوره ی مذکور فواصل آیات به سه حرف «نون، میم و راء» ختم شده اند که پیوند عجیبی بین آن ها است. مانند "الرَّحْمَن، لِلْأَنَامِ، كَالْفَخَّارِ" نمودار زیر بیانگر درصد این سه حرف به عنوان فاصله سوره می باشد

بهمن ماه ۱۳۹۲



قدماء بر این حروف «نون، میم، راء و لام» اسم اصوات ذلقی اطلاق نموده اند چون در تقارب مخرج دارای تلفظ مشترک هستند و از وضوح شنیداری بالایی برخوردارند تا جایی که آشکارترین حروف صامت بر گوش محسوب می شوند و گاهی آن ها را شبیه حروف مصوّت می نامند. زیرا در وضوح شنیداری شبیه حرکات می باشند. اما این ویژگی در حرف «نون» متمایزتر است و علاوه بر آن دارای صفت غنه است (صالح، ۲۰۰۳: ۲۸-۲۹) آشکار است که در میان ۷۸ آیه ی سوره ی شریفه الرّحمن، ۶۹ مورد فواصل، ختم به «نون» است که ماقبل آن، «الف مدی» است که در حیطه ی فواصل متماثل می گنجد. ۷ مورد، ختم به میم ماقبل حرف مدی و دو مورد راء است که به علت قریب المخرج بودن حرف «میم و نون و راء» جزء فواصل متقارب محسوب می گردد که نشانگر این است که تشابه و تقارب اصوات با ایجاد جوّی از موسیقی دلنشین، در سطح کلی سوره انسجامی ژرف را ایجاد نموده است ناگفته نماند که ادای حرف مدی، موسیقی و اثرگذاری آن را مضاعف نموده است.

قابل ذکر است که تکرار اصوات در فواصل این سوره متناسب با معانی القاء شده در آیات و به تبع آن در کل سوره می باشد. الف مدی به خاطر امتداد صدا به هنگام تلفظ آن، بر رفعت و عظمت خداوند دلالت می کند

بهمن ماه ۱۳۹۲

رفعتی و رای بلندای آسمان، که با لفظ سماء در آیه ۷ متناسب می باشد و بر گستردگی و وفور نعمتهای او در حق بندگانش اشاره دارد گستردگی ای که پهنه ی هستی مشتمل بر زمین، آسمان و بهشت، نمادی از آن است. حرف «نون» از حروف مهجور و متوسط بین شدت و رخوت است. برخی از زبان شناسان آنرا برای تعبیر از صمیمیت به کار می گیرند (نک: عباس، ۱۹۹۸: ۱۵۸) تکرار این حرف در سطح کلی سوره بیانگر وضوح و روشنی نعمت هایی است که خدا به انسان عرضه نموده تا عظمت خدا را به تصویر بکشد. خداوند الطاف خویش را به نرمی و درجوی آرام از بزرگ به کوچک، از دنیوی و مادی به سمت نعمتهای معنوی و اخروی می کشاند و در طی این مسیر انسان را آرام آرام به سمت صراط مستقیم و در نهایت بهشت هدایت می کند.

## ۱-۲ ساختار آوایی واژگان

اصوات در زبان عربی به دو دسته ی صامت و مصوت تقسیم می شود و همین صامت ها و مصوت ها اجزای تشکیل دهنده ی هجاها می باشند. مقطع یا هجا، همان کوچک ترین واحد آوایی در ترکیب کلمه است. (عکاشه، ۲۰۰۶: ۱۸۶) بررسی ساختار آوایی واژگان از طریق تحلیل نوع هجاهای سازمان یافته در واژگان امکان پذیر است و از طبیعت ایقاع حاکم بر سوره پرده بر می دارد. اشکال مختلف هجاهای زبان عربی را علماء علم الاصوات اینچنین تقسیم بندی نموده اند.

۱- هجای کوتاه: صامت + حرکت کوتاه

۲- هجای متوسط باز: صامت + حرکت بلند

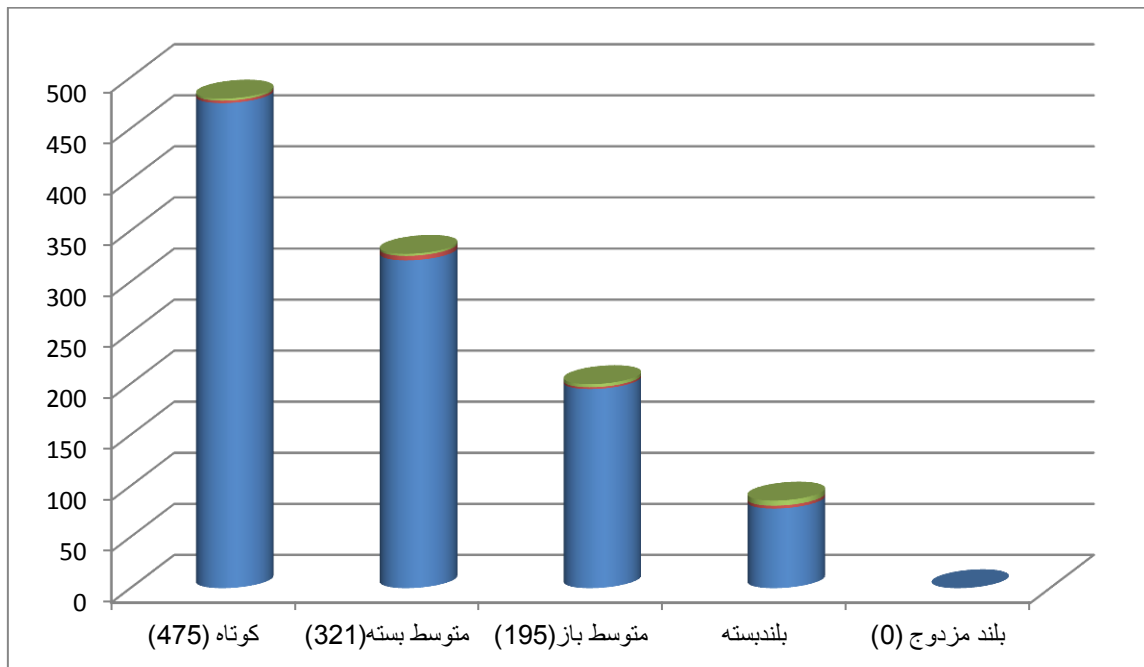
۳- متوسط بسته: صامت + حرکت کوتاه + صامت

۴- هجای بلند بسته: صامت + حرکت بلند + صامت دیگر

۵- هجای بلند مزدوج بسته: صامت + حرکت کوتاه + دو صامت دیگر (انیس، بی تا: ۹۲)

در جدول زیر ما به بررسی بسامد کلی هجاهای سوره ی الرحمن پرداخته ایم ذیلا به تحلیل ساختار واژگانی برخی از آیات خواهیم پرداخت:

بهمن ماه ۱۳۹۲



حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ (۷۲) این آیه مشتمل است بر ۴ هجای متوسط بسته، ۳ مورد متوسط باز، ۱ مورد کوتاه و ۱ مورد بلند بسته.

بسامد بالای هجاهای بسته، خواه به صورت متوسط یا بلند، چشم انداز خیمه های بهشتی و محدود شدن همیشگی حوریان بهشتی در آن ها را ترسیم می کند می توان بیان نمود که آن ها را از نگاه افرادی غیر از شوهرانشان حفظ می کند.

يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ (۴۱) روند تشکیل هجاها در این آیه به این شکل است: هجای کوتاه ۷مورد، متوسط بسته ۹، متوسط باز ۵ و هجای بلند بسته ۱مورد. شاید بتوان این تحلیل را ارائه داد که هجاهای بسته ی این آیه شکل هندسی بسته ای را در ذهن تداعی می کند که به هنگام گرفتار شدن جهنمیان در چنگال های مأموران عذاب الهی و اتصال موهای پیشانی آن ها و پاهایشان به تصویر کشیده می شود زمانی که با ذلت به دوزخ افکنده می شوند و هجاهای کوتاه نشان از سرعت عمل پرتاب کردن آنها به درون آتش دوزخ دارد که به بسان سنگی است که از دهانه ی ابزار پرتاب سنگ رها شود و فرصت هرگونه عکس العمل را از آن ها می گیرد. (والله اعلم)

بهارن ماه ۱۳۹۲

فِيهَا فَآكِهَةٌ وَ النَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (۱۱) تعداد هجاها در این آیه شامل ۵ متوسط بسته، یک بلند بسته و ۴ متوسط باز و ۳ هجای کوتاه است. شاید بتوان گفت که بسامد بالای هجاهای کوتاه غلاف بسته ای را به تصویر می کشد که بسان رحم مادر خوشه های زیبای خرما را در خود پرورش داده و آن ها را از آفات نگه می دارد.

فَبِأَيِّ آءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۳) تعداد هجاهای کوتاه ۷، هجای متوسط باز ۳، هجای متوسط بسته ۳ و بلند بسته ۱ می باشد. مقام حال توبیخ و تأکید است تا حس قدرشناسی و شکرگزاری را در انسان بر انگیزد. شاید بسامد بالای هجاهای کوتاه نسبت به سایر هجاها، نقش مهمی در انتباه مخاطب و افزایش توجه او نسبت به گوش سپاری به شنیدن آیه و تأمل در آن دارد.

تحلیل نظام هجایی آیات نشان می دهد که پراکندگی هجاها در آیات یکسان نیست بلکه متناسب با معانی القاء شده در آنها و هماهنگ با فضای آیه، هجاها متفاوتند.

### ۳-۱ آوای ناشی از تکرار

نکته ی قابل ذکر دیگر که در بُعد آوایی سوره ی مبارکه ی الرَّحْمَنِ می توان مورد تحلیل قرار داد که در کشف زیبایی موسیقی متن و انسجام کلی سوره کار گشا می باشد تکرار است از این جهت که ارتباط لفظی بین واژگان محسوب می شود.

در سطح آوایی تکرار می تواند بعدی روانشناسانه داشته باشد. تکرار باعث ایجاد نوعی توازن و هماهنگی در کلام می شود که به طور ذاتی و البته پنهان در عبارت موجود است (الملائكة، ۲۰۰۰: ۲۷۷) تکرار به معنا و مفهوم کلام اصالت می بخشد و باعث می شود کلام حول یک محور واحد بچرخد، عواطف را تشدید کرده و بر تأثیر گذاری کلام می افزاید و با ایجاد هم حروفی و تکرار صداهای خاص آهنگ کلام را به سمت یک ریتم مشخص هدایت می کند. (همان)

در این سوره ی مبارکه، تکرار در سه بخش حروف و کلمات و جملات نمود دارد که به بررسی آن و ارتباطش با معنا می پردازیم

الف) تکرار حروف

الرَّحْمَنُ (۱) عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲)

تکرار حرف راء به خاطر صفت تکریر و چابکی (سرعت زیاد و مداوم) کناره ی زبان در زبان عربی تصاویر آوایی شبیه به اشکال دیداری عرضه می کند که در آنها پژواک و تکرار است (عباس، ۱۹۹۸: ۸۲-۸۳)



بهمن ماه ۱۳۹۲

تکرار حرف «راء» ممکن است که بر تداوم بارش باران لطف و رحمت خداوند اشاره داشته باشد که با وجود ناسپاسی بندگان او، نعمت هایش همچنان ساری و جاری است؛ نعمت هایی از قبیل تعلیم قرآن، خلقت انسان، آموزش سخن گفتن و ... که به دنبال این آیات به آن ها اشاره شده است.

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲)، خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳)، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (۴) به نظر می رسد می توان چنین استنباط کرد که بسامد بالای حروف جهر (ع، ل، م) دال بر وضوح عظمت و قدرت خداوند است که در تعلیم قرآن به عنوان کتاب هدایت و نور، خلقت انسان، و قدرت و توانایی انسان در بیان آنچه از احساسات و عواطف در درون دارد تجلی یافته است که با لفظ البیان در پایان آیه ۴ همخوانی بیشتری دارد.

وَ السَّمَاءَ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ (۷) در این آیه ی شریفه ی، ما شاهد بسامد بالای تکرار مصوت فتحه (۱۴ مورد) و یک مورد کسره هستیم. می توان گفت که فتحه با معنای واژگانی مانند السَّمَاءَ و رَفَعَهَا تناسب بیشتری دارد.

(ب) تکرار کلمه

در این سوره شریفه، کلمه ی «میزان» ۳ بار تکرار شده است «وَ السَّمَاءَ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ (۷) أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (۸) وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (۹)» به نظر می رسد یکی از حکمتهای تکرار لفظ میزان به جای ضمیر، تفاوت معنایی "میزان" در سه آیه باشد چون در این سوره کلمه ی میزان بر سه معنای تقریباً متفاوت (معیار و قوانینی که خداوند متعال در سراسر عالم هستی قرار داده است، عدم طغیان انسانها در تمام موازین زندگی فردی و اجتماعی، تکیه بر مسأله ی وزن) به کار رفته و همچنین دال بر تأکیدی است که خداوند متعال بر مفهوم میزان و حسابرسی اعمال انسان در آخرت داشته است.

زمخشری در کتاب تفسیر کشاف ذکر کرده این تکرار به خاطر سخت گیری در توصیه به میزان و برای تقویت فرمان و ترغیب به آن صورت گرفته است (موسوی زاده، ۱۳۸۸، ج ۴: ۵۴۲) «و کرّر لفظ المیزان: تشدیداً للتوصیة به، و تقویة للأمر باستعماله و الحث علیه» (الزمخشری، ۱۴۰۷: ج ۴، ص: ۴۴۴).

(ج) تکرار جمله

در این سوره ۳۱ مرتبه آیه ی «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» تکرار شده است برخی چنین اعتقاد دارند که این آیه، ۷ بار به دنبال آیاتی آمده است که در آن عجایب خلقت و ابداعات بسیار بدیع او و آغاز خلقت و بازگشت مخلوقات به سوی او بیان شده است و ۷ بار در پی آیاتی آمده است که در آنها آتش جهنم و سختیهای موجود در آن به تصویر کشیده شده است که به تعداد درهای جهنم است. ۸ بار به دنبال توصیفات از بهشت و بهشتیان

بهارن ماه ۱۳۹۲

آمده که برابر است با تعداد درهای بهشت و ۸ مورد آخر برای دو بهشتی که پایین تر است آمده است پس کسانی که به ۸ بهشت اولی اعتقاد دارند و برای دستیابی به آن تلاش کرده اند مستحق ۸ بهشت دیگر از جانب خداوند می شوند. (الکرمانی، بی تا: ۲۳۱) به نظر می رسد که این تکرار علاوه بر اینکه به سوره آهنگ و جذابیت خاصی بخشیده، با محتوای سوره نیز هماهنگ است. بدین شکل که خداوند بزرگ، در خلال بر شمردن نعمت های خویش و به منظور تحریک و تشویق عواطف بشری، سعی نموده حس حق شناسی و شکرگزاری را در انسان ها به بهترین وجه برانگیخته و آنها را بیدار سازد و با بیدار کردن وجدانش، او را به خضوع در برابر حقیقت، فرا خواند و از طریق عنوان کردن نعمت های بزرگی مثل خلقت انس و جن، تعلیم قرآن و ... شوق طاعت و بندگی را در وجود او بیفزاید و او را به دنبال معرفت و عرفان و شناخت مبدأ این نعمت ها بکشاند و به وسیله آن از بندگانش بر نعمتهایش اعتراف گیرد. (والله اعلم)

## ۲. سطح ترکیبی

مراد از سطح ترکیبی، مجموعه تغییرات و تحولاتی است که در عرصه ترکیب رخ می دهند، عرصه ی ترکیب همان مجموعه ی کلمات و عناصر ترکیبی که به صورت متوالی می آیند، که این عناصر در محور همنشینی کلام، جملات و پاراگراف های کاملی هستند که بین آنها پیوند محکم لفظی و معنایی وجود دارد. (فضل، ۱۹۹۲: ۸۵-۸۶)

بررسی سطح نحوی ما را در کشف اسرار زبانی متن، تفسیر نظام ساختاری آن، طریقه ترکیب کلمات و جملات و نوع درک رابطه ی بین آنها، یاری می کند. در این بخش ما، مثنی، استفهام، فعل مضارع و تقدیم و تأخیر را مورد تحلیل قرار خواهیم داد.

## ۱-۲ استفهام

از جمله مواردی که در این سوره برجستگی خاصی دارد تکرار آیه ی **فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ** می باشد که با اسم استفهام "ای" شروع شده است اما بر معنای حقیقی استفهام دلالت ندارد بلکه اهداف بلاغی دیگری دارد که پیشتر بدان اشاره شد. از جمله اقرار گرفتن از بندگان، تأکید بر یادآوری نعمات عنایت شده از جانب خداوند، ایجاد حس شکرگزاری در میان آنها و توبیخ بر تکذیب منکران است.

بهن ماه ۱۳۹۲

گاهی استفهام را در معنای نفی بکار می‌گیرد مثل آیه ی هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (۶۰) و گاهی در مقام نهی ذکر شده است اَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (۸).

## ۲-۲ فعل مضارع

خداوند در ابتدا سوره را که با نعمتهای مادی در این دنیا مثل تعلیم قرآن، خلقت انسان و ... شروع کرده و با قاطعیت سخن گفته است از افعال ماضی بهره گرفته اما در کل سوره از میان افعال آنچه را که نمود بیشتری دارد استعمال افعال به شکل مضارع می‌باشد که دال بر دوام و همیشگی بودن است مثل فعل تکذبان در آیه ی فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ که در سوره، ۳۱ مرتبه تکرار شده که بردوام و استمرار نعمتهای خداوند و همزمان با آن تداوم تکلیف بندگان که همان شکر گذاری است و دوام انکار تکذیب کنندگان دلالت می‌کند. وَالنَّجْمِ وَالشَّجَرِ يَسْجُدَانِ در این آیه باز بیانگر همیشگی بودن تسلیم و سرفروود آوردن بی قید و شرط موجودات هستی در مقابل خدا می‌تواند باشد.

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹) يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ (۲۲) این دو آیه به گسترده بودن دامنه ی بخشش خداوند اشاره دارد که در هر نعمتی از عالم هستی اش اشیاء با ارزشی مثل مروارید و مرجان به ودیعه گذاشته که زمینه رفاه بشر را فراهم سازد.

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ (۵۰) این آیه دال بر استمرار جریان آب در نهر های بهشتی و تازه بودن آنها می‌باشد انهار با فعل مضارع یجریان ذکر شده زیرا رودخانه بدون جریان آب در آن مثل ذکر جسم بدون تفصیل روح از آن است. (قطنانی، ۱۹۹۹: ۱۰۴-۱۰۵)

فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّنَّ لِنِسِّ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانُّ (۵۶) قرآن برای افاده ی معنا، به فعل مضارع ما قبل منفی متوسل شده، زنان بهشتی را طاهر به هنگام تولدشان به تصویر کشیده است به طوریکه احدی از جن و انس آن را لمس نکرده است و نفی را بوسیله ی کلمه ی «قبلهم» به زمان ماضی محدود کرده و نفی را برای تأثیر پذیری دلالت روانی که فطرت انسان با آن در ارتباط است بکار گرفته است و هدف اثبات رغبت در کمال نعمت بوده است. و اسناد فعل مضارع به ضمیر نامشخص دال بر عمومیت خطاب بر هر انسانی است که این سخن را می‌شنود و تنبه سامع نسبت به آن کلامی است که آن را مختص کرده است. (همان: ۱۱۰)

## ۲-۳ تقدیم و تأخیر

بهارن ماه ۱۳۹۲

یکی از عناصر نحوی بارز در سوره ی مبارکه ی الرحمن که پدیده ی سبکی را به وجود آورده است بحث تقدیم و تأخیر است. علماء علم نحو قواعدی را برای سازماندهی جمله در زبان عربی تعیین نموده اند و برای اجزای تشکیل دهنده ی جمله اعم از جمله ی اسمیه و فعلیه ترتیب خاصی را مشخص کرده اند. اما گاهی برای بیان نکات بلاغی ظریفی این ترتیب منطقی به هم ریخته می شود و آنچه را که باید مؤخر بیاید مقدم می شود و برعکس. در سوره ی الرحمن نمونه های زیادی از تقدیم و تأخیر به چشم می خورد که با توجه به گنجایش اندک مقاله به تحلیل تعدادی از آنها خواهیم پرداخت. از جمله اهداف تقدیم:

## ۱. اختصاص و حفظ موسیقی

و السماء رفعها (۷) والارض وضعها للانام (۱۰): دو مفعول «الارض والارض» ممکن است به جهت اختصاص، بر فعل و فاعل مقدم شده باشد همچنین برای ایجاد هماهنگی در کلام، بر اساس این آیه ی شریفه رفعت و بزرگی به آسمان اختصاص داده شده و زمین ویژه ی استفاده ی مردمان قرار گرفته است.

من دونهما جنتان (۶۲) فیهما عینان نضاختان (۶۶) فیهما فاکهة ونخل ورمآن (۶۸)

در آیات فوق توصیفگر دو باغ و بهشتی است که مأمّن بندگان مخلص خدا می باشد. آن دو بهشت مخصوص اهل اخلاص است، که ترسشان از عذاب خدا و از فوت ثوابهای او نیست، بلکه از مقام او است، پس این دو بهشت مخصوص مؤمنینی است که درجه ایمانشان پایین تر از درجه ایمان اهل اخلاص است، مؤمنینی که خدای سبحان را به این جهت عبادت می کنند که از آتش او می ترسند، و یا به ثواب و بهشت او طمع دارند، و این دسته از مؤمنین همان اصحاب یمین در سوره واقعه اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹: ۱۸۶)

ممکن است که تقدیم جار و مجرور برای تخصیص صورت گرفته باشد، تخصیص چشمه های جوشان، میوه ها بویژه ی خرما و انار برای بهشتیانی که اوصاف آن ها گذشت از دیگر سو با مؤخر آوردن مبتداهای «جنتان، عینان نضاختان، فاکهة ونخل ورمآن» موسیقی دل انگیز موجود در سطح کلی سوره برجسته تر شده است.

## ۲. تشویق به ما بعد

و لمن خاف مقام ربه جنتان (۴۶) در این آیه تقدیم جار و مجرور جهت تشویق به آنچه ما بعد آمده است مقدم شده که همان پاداشی است که خداوند برای اهل بهشت در نظر گرفته است به خاطر وجود صفت ترس از خدا و خضوع و خشیت در مقابل او.

## ۳. تصویر پردازی هنری

بهارن ماه ۱۳۹۲

تصویر سازی یکی از شاخص های برتر قرآن است و یکی از روش هایی است که در قرآن از آن برای اقناع مخاطب و برانگیختن عواطف و انفعالات درونی افراد بشری بهره گرفته شده است و یکی از ابزارهایی است که در آن جهت تعبیر از مفاهیم ذهنی حالات نفسانی، اتفاقات محسوس و مناظر مقصود و همچنین برای تعبیر از نمونه های والای انسانی استفاده شده است (عبد الرحمن، ۲۰۰۶: ۱۵۷) در سوره ی مبارکه ی الرحمن تصاویر زیبا در قالب تشبیه، استعاره و کنایه بیان شده اند.

### ۱-۳ تشبیه

تشبیه در لغت به معنای تمثیل و همانندی است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ذیل ماده ی شبه) و در اصطلاح سخنی است که در آن یک چیز یا چیزهایی در یک صفت یا بیشتر با دیگری مشارکت کند به وسیله اداتی مثل کاف. هر تشبیه ۴ رکن دارد مشبه، مشبه به، ادات تشبیه و وجه شبه که لازم است در مشبه به قوی تر و آشکار تر از مشبه باشد (الجارم، ۱۹۹۹: ۲۰) تشبیه را براساس ذکر و حذف ادات و وجه شبه این چنین تقسیم بندی نموده اند:

فِيهَا فَآكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (۱۱)

در این آیه غلافی که میوه ی نخل را می پوشاند را به رحم مادر تشبیه نموده که فرزند را برای مدتی در داخل خود نگه می دارد و از آفات حفظ می کند (شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۱۱۲: ۲۳) وجه شبه در هردو دارای خاصیت نگهدارندگی است و تشبیه از نوع حسی به حسی می باشد. ولی اینچنین به نظر میرسد که در این آیه استعاره بالکنایه به کار برده شده و می توان چنین استنباط کرد که درخت نخل را به زنی آباستن تشبیه کرده و سپس لفظ امرأة را حذف و از لوازم آن یعنی "اکمام" جمع کم بهره گرفته که نخل میوه های خود را که به مثابه ی فرزند در داخل رحم مادر است در آن جای داده تا آنرا از شر آفات حفظ کند. که این استعاره، زیبایی خاصی به آیه بخشیده و تصویر جالبی را در مقابل خواننده ترسیم کرده است.

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۲۴)

عَلَم در اصل به معنای علامت و نشانه ای بوده که از چیزی خبر دهد و سپس بر دایره ی معانی آن افزوده شده و بر پرچم و کوه اطلاق می شده است. در این آیه ی شریفه، کشتی های ساخته شده بر روی دریا به اعلام تشبیه شده است که وجه شبه در آن علاوه بر عظمت و استحکام، وضوح و آشکار بودن این دو است همانطور که کوه بر روی زمین عظمت و برجستگی خاصی دارد کشتی های غول پیکر بر روی دریا نمود خاصی دارند که به

بهمن ماه ۱۳۹۲

عنوان آیه ای از آیات خدا بر بزرگی مقام و فرمانروایی قدرت خالق هستی دلالت می کنند. تشبیه حسی به حسی و از نوع تشبیه مفرد مقید به مفرد است و به نظر می رسد که با هدف تقریر و تثبیت آن در ذهن مخاطب استعمال شده باشد.

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (۱۴)

در تفسیر این آیه در کتاب تفسیر نمونه چنین آمده است که صلصال به معنی رفت و آمد صدا در اجسام خشک است و فخّار به معنای کسی که بسیار فخر می کند و از آنجایی که اینگونه افراد آدمهای تو خالی و پر سروصدا هستند این تشبیه استعمال شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۲۳: ۱۱۸) و یا صلصال در معنای خاکهای خشکیده که وقتی به آنها اشاره شود صدا می کنند و به کوزه تشبیه شده که تو خالی و پر سروصدا است زمانیکه بر آن ضربه وارد شود(همان) که اشاره به خلقت انسان از یک ماده ی بی ارزش دارد و دال بر قدرت خداست که از چنین ماده ای چنان مخلوق پرارزشی ساخته که گل سرسبد جهان آفرینش شده است.(همان، ص ۱۱۹) تشبیه جهت ملموس جلوه دادن و قابل فهم نمودن خلقت انسان برای خواننده است. تشبیه حسی به حسی در آیه ممکن است برای بالا بردن درک و دریافت او نسبت به امر خلقت باشد.

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ (۳۷)

آیه اشاره به روز قیامت دارد که در آن روز، نظام کلی جهان در هم می ریزد و حوادث بسیار هول انگیز در سراسر جهان رخ می دهد یکی از حوادث آن این است که کرات آسمانی در هم می شکافد و به رنگ سرخ و به صورت مذاب در می آید. (مکارم شیرازی، ص ۱۵۴) در واقع این تشبیه می تواند سایه ای از آن صحنه ی هولناک را مجسم سازد چون در عالم واقع هیچ شباهتی به حادثه ای از حوادث این دنیا ندارد و صحنه هایی است تا کسی نبیند نداند.(همان)

در این آیه یک امر عقلی را به صورت حسی بیان کرده است تا تصویری از ترس و وحشت حاکم در روز قیامت در ذهن خواننده ایجاد کند. و او را به امر قیامت و حوادث آن آگاه سازد.

فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ كَانَهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ (۵۸)

در این آیات حوریان چشم فروهشته ی بهشتی در شفافیت به یاقوت و در سپیدی به مرجان و در کوچکی به مرواید تشبیه شده است(الزمخشری، ۱۴۰۷: ج ۴، ص: ۴۵۳) و نیز (نک: موسوی زاده، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۵۵۳) تشبیه از نوع تشبیه عقلی به حسی است و چون دو تا مشبه به برای یک مشبه ذکر شده است و یاقوت و

بهمین ماه ۱۳۹۲

مرجان، همسنگ حوریان بهشتی قرار داده شده، تشبیه تسویه است و ظاهرا هدف آن، وصف نیکویی و زیبایی حوریان است.

## ۲-۳ استعاره

استعاره در لغت به معنای رد و بدل کردن چیزی بین دو شخص یا طلب امانت کردن (ابن منظور، ۱۴۱۴: ذیل ماده ی عور) از عار مشتق شده زیرا طلب آن شرم آور و دارای عیب می باشد.

استعاره در اصطلاح این است که لفظی در هنگام وضع لغت، اصلی شناخته شده باشد و شواهدی دلالت کند که به هنگام وضع بدان معنی اطلاق می شده، سپس متکلم، این واژه را در غیر آن معنی اصلی به کار گیرد و این معنی را به آن لفظ منتقل نماید، انتقالی که نخست لازم نبوده است و به مثابه ی عاریت می باشد (جرجانی، ۲۰۰۶: ۳۸) علاقه ی بین معنای اصلی و معنای وضعی مشابهت است و قرینه ای که مانع از اراده ی معنای حقیقی لفظ شود، در کلام وجود دارد (فاضلی، ۱۳۸۸: ۲۰۴)

استعاره را به اعتبار ذکر مشبه و مشبه به دو قسم تقسیم بندی کرده اند: ۱. استعاره ی تصریحیه: در این نوع از استعاره از میان ارکان تشبیه به ذکر مشبه به اکتفاء می شود. ۲. استعاره ی بالکنایه: در آن تنها مشبه ذکر می شود. آن را استعاره ی بالکنایه می نامند زیرا در آن به ذکر لفظ مستعار تصریح نشده است بلکه به ذکر یکی از لوازم و متعلقات آن بسنده می شود و از طریق لوازم می توان به معنی مورد نظر دست یافت (همان: ۲۲۱)

سَنَفَّرُ لَكُمْ أُيُّهَا الثَّقَلَانِ (۳۱)

سَنَفَّرُ لَكُمْ در این آیه از سَأَفْرَعُ لَكَ که در مقام تهدید بیان شده به استعاره گرفته شده است یعنی از هر مشغولیتی که دارم و مرا از تو باز می دارد روی می گردانم و به تو می پردازم چنانچه جز تو هیچ کار دیگری نداشته باشم. (موسوی زاده، ۱۳۸۸، ج ۴: ۵۴۸) در واقع آهنگ چیزی نمودن و توجه به آنرا به فارغ شدن و دست کشیدن از کارها تشبیه کرده است و جامع در هردو، همت ورزیدن است و سپس لفظ دلالت کننده بر مشبه به، برای مشبه استعاره آورده شده و از "فراغ" به معنای "خلو" فعل "نفرغ" را به شیوه ی استعاره ی تصریحیه ی تبعیه از آن مشتق ساخته و قرینه ی آن حالیه است. (الهاشمی، ۱۹۹۹: ۲۸۱) و همچنین مراد از ثقلان انس و جن است و وجه تسمیه ی آن این است که این دو موجود سنگین ترین آفریدگان روی زمین هستند (موسوی زاده، ۱۳۸۸، ص ۵۴۸) و صاحب تفسیر نمونه معتقد است اطلاق ثقلان بر دو گروه انس و جن به خاطر سنگینی



بہمن ماہ ۱۳۹۲

معنوی آنہاست چرا کہ خداوند بہ آنها از نظر عقل و شعور و علم و آگاہی وزن و ارزش خاصی دادہ است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۲۳: ۱۴۷)

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹) يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ (۲۲)

در این آیہ برای واژہ ی بحرین تفاسیر متعددی آورده شدہ از جملہ دریای آسمان کہ منشأ باران است و دریایی کہ بر روی زمین است، بحر الفارس و بحر الروم و گاہی آنرا برای فاطمہ(س) و علی(ع) استعارہ آورده شدہ و مراد از لؤلؤ و مرجان امام حسن(ع) و امام حسین(ع) بیان شدہ است . بہ شیوہ ی استعارہ ی تصریحیہ و جامع در آن وسعت فضل و بخشش و کثرت خیر رسانی است. از آنجایی کہ دریا دربردارندہ ی اشیاء نفیسی همچون مروارید و مرجان است بنت نبی(ص) و امیر مؤمنان با پرورش سروران جوانان بہشتی، منابع خیر و برکت را برای بشریت بہ ارمغان آورده اند. «و قد روی عن سلمان الفارسی و سعید بن جبیر و سفیان الثوری أن البحرین علی و فاطمۃ ع بینہما برزخ محمد ص یخرج منہما اللؤلؤ و المرجان الحسن و الحسین ع و لا غرو أن یكونا بحرین لسعة فضلہما و کثرة خیرہما فإن البحر إنما یسمی بحرا لسعته وقد قال النبی ص لفرس رکبہ و أجراه فأحمدہ وجدته بحرا آی کثیر المعانی الحمیدۃ» (الطبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ص: ۳۰۵)

### ۳-۳ کنایہ

کنایہ از کنیت الشی اکنیہ یعنی هنگامیکہ آن را از دیگران مخفی کردی و گفته شدہ کنانہ زیرا آن از "کن" بہ معنای ستر و پوشش گرفته شدہ است و تعریف کنایہ از آن مشتق شدہ است و آن از ستر گرفته شدہ است. گفته شدہ کنیت الشی یعنی زمانی کہ تو آن را پوشاندی. کنایہ را کنایہ نامیدہ اند زیرا معنی را می پوشاند و غیر آن را آشکار می کند (الثعالبی النیسابوری، ۱۹۹۸: ۲۱) و در اصطلاح کنایہ لفظی است کہ بر خلاف استعارہ ہم بر معنای حقیقی و ہم بر معنای مجازی دلالت کند و قرینہ ی آن صارفہ است نہ مانعہ. (العلوی الیمنی، ۱۹۱۴، ج ۳: ۳۴۰)

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۶) در این آیہ مقصود از سجده ی نجم و شجر در مقابل خدا تسلیم بی قید و شرط آنها در برابر قوانین آفرینش کہ در مسیر منافع آفرینش می باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۲۳: ۱۰۳)

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۱۰) قرار دادن زمین در مقابل انسان کنایہ است از تسلیم بودن زمین و دستاوردهای آن در مقابل انسان.

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ (۴۱)



بهمین ماه ۱۳۹۲

در ابتدای آیه از تمایز چهره ی دوزخیان با رنگ سیاه که نشانه ی عناد و کفر آن ها می باشد سخن به میان آمده است و سپس یکی از مجازات های آن ها را به شکل همزمان گرفتن موهای پیشانی و متصل کردن سر (بالترین نقطه ی وجود انسان) و پا (پایین ترین نقطه بدن) و افکندن آنها به آتش برافروخته جهنم ترسیم نموده است که کنایه از تسلط و قدرت مطلق خداوند بر مجرمان و نهایت عجز و ناتوانی آنها در برابر مأموران عذاب الهی است.

مُتَّكِنِينَ عَلَى رُفْرَفٍ خُضِرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ (۷۶)

کنایه از روح آسوده و آرامش خاطر بهشتیان است. این آیه در وصف نعمت های بهشتی است که برای ساکنان بهشت مهیا شده است و در بهترین شرایط زندگی می کنند. با به تصویر کشیدن آنان در حالیکه بر بالش های سبز و فرش های نگارین و زیبا تکیه داده اند، روح آسوده و آرامش خاطر بهشتیان را آشکار می سازد. چون کنایه بلیغ تر از تصریح، معنا را به تصویر می کشد بهره گیری از کنایه در تثبیت معانی در ذهن مؤثرتر است.

#### ۴-۳ تناسب و تضاد

مراعات النظیر یا تناسب یعنی گرد آوردن دو یا چند چیز که با هم مرتبط و هماهنگ هستند و هماهنگی آنها از جهت تضاد نیست. (الهاسمی، ۱۹۹۹: ۳۰۴)

تضاد یا طباق یعنی جمع کردن دو لفظ با هم که در معنا دقیقاً در مقابل هم باشند به طوری که وجود معنای این دو با هم در یک جا و در یک زمان با هم منافات دارد. دو لفظ متضاد ممکن است فعل باشند، یا اسم، یا حرف و یا مختلف باشد. (همان: ۳۰۳) و تقابل دو معنا بر زیبایی و ظرافت کلام می افزاید.

در سوره ی الرَّحْمَنِ چون از اکثریت مخلوقات خداوند و نعمتهایی که او به انسان عنایت کرده است سخن گفته شده تناسب به وفور دیده می شود. خالق هستی با ایجاد تناسب و ارتباط معنایی بین کلمات، عنایات و نعمتهایی خویش را در حق بندگان، تبیین نموده است تا مبدا منکر مواهب او شوند. این مسئله از یک سو می تواند بیانگر دامنه وسیع الطاف و رحمت الهی و عظمت و تواناییش در امر خلقت باشد که با لفظ الرَّحْمَنِ که در ابتدای سوره و عنوان آن آمده است هماهنگ است و از سوی دیگر ارزشی باشد که برای انس و جن قائل بوده با وجود خلق تمام نیازمندی ها برای او به امر هدایتش نیز توجه داشته و با توصیف بهشت و جهنم، راه را از چاه به

بهارن ماه ۱۳۹۲

او نشان داده است. چنانچه تاکید لفظی، تنوع ترکیبات می تواند از کارکردهای مراعات النظیر باشد. در زیر نمونه هایی از مراعات نظیر در سوره ارائه مگردد:

\*موهبت های مادی: زمین و آسمان پدیده های آسمانی: شمس، قمر، نجم، سماوات، مشرقین و مغربین / پدیده های زمینی: ارض، اعلام، صلصال و فخار/ دریا و مواهب موجود در آن: بحران، عینان، جوار، تجریان، لؤلؤ، یاقوت، مرجان / طبیعت و زیبایی های آن: فاکهه، نخل، اکمام، حبّ، عصف، ریحان، ورده، افنان، رمان / وسایل و ابزار های قیمتی: لؤلؤ، یاقوت، مرجان، استبرق / اعضا و جوارح انسان: انسان، بیان، وجه، سیما، نواصی، اقدام، طرف، عین / موهبت های معنوی: بهشت، جهنم و دوزخ / صفات الهی: الرحمن، جلال، اکرام / بهشت و نعمت های آن: جنه، فرش، بطائن، استبرق، قاصرات الطرف، خیرات حسان، حور، رفرق خضر، عبقری حسان / جهنم و اندوخته های آن برای انسان: جهنم مارچ، نار، شواظ، نحاس / ابزار عدالت: میزان، قسط، عدم اخسار، عدم طغیان، وزن

نمونه هایی از ایهام تناسب (مراعات نظیر) و تضاد و مقابله:

الف). الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵) وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۶)

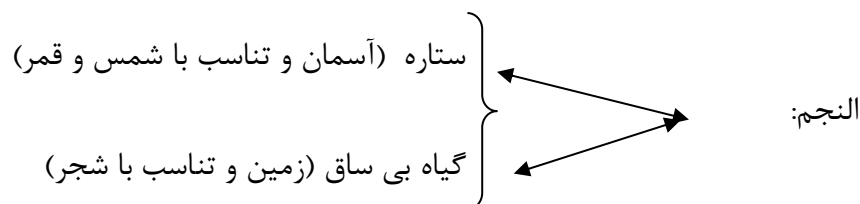
(النجم) به معنای ستاره و گیاه بی ساق است که در آیه بر معنای دوم حمل می شود «اسم للنبات الذی لا ساق له».

" النَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ " علاوه بر اینکه استعاره مصرحه تبعیه است (نک: صافی، ۱۴۱۸، ق: ج ۲۷، ص: ۸۸)، دارای مراعات نظیر یا ایهام تضاد است بدین شکل که نجم بعد از آیه " الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ "، قرار گرفته و نجم در یک معنا بر ستاره حمل می شود و در معنای دیگری بر گیاه بی ساق. لذا در ابتدا با توجه به هماهنگی با شمس (خورشید) و قمر (ماه)، بر معنای ستاره حمل می شود لکن بعد از تأمل بیشتر و هماهنگی با شجر (درخت) به معنای دیگر یعنی گیاه بی ساق گرفته شده است. (نک: التفتازانی، ۱۳۸۳: ۲۶۷-۲۶۸) برخی آن را "فن التوهیم" نامیده اند و در تعریف آن چنین آورده اند: «فن التوهیم: فی قوله تعالی وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ. و هذا الفن هو عبارة عن إتيان المتكلم بكلمة، يوهم باقي الكلام - قبلها أو بعدها - أن المتكلم أراد اشتراك لغتها بأخرى، أو أراد تصحيفها أو تحريفها، أو اختلاف إعرابها، أو اختلاف معناها، أو وجهها من وجوه الاختلاف، و الأمر

بمن ماه ۱۳۹۲

بضد ذلك فإن ذكر الشمس والقمر يوهم السامع أن النجم أحد نجوم السماء، وإنما المراد النبات الذي لا ساق له» (نک: صافی، ۱۴۱۸. ق: ج ۲۷، ص: ۸۸)

لکن در کنار پذیرش تعبیر درست و استوار ادبا و مفسران قدیم و جدید مبنی بر حمل نجم در این آیه بر معنای دور و ثانوی آن یعنی گیاه بی ساق، به نظر می رسد آیه‌ی شریفه دارای ظرافت زبانی، ادبی و هنری دیگری نیز هست و آن عبارتست از اینکه در آیه ( الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵)، ذهن مخاطب بر آسمان متمرکز است زیر شمس و قمر مربوط به کرات آسمانی است. در آیه بعد خداوند متعال به یکبارگی و بلافاصله، ذهن و فکر وی را از آسمان راهی زمین میکند و این نوعی سرگردانی و حیرت را می‌تواند در پی داشته باشد و برای حل این سرگردانی و حیرت، واژه‌ای انتخاب گردیده که در لغت دارای دو معناست:



چنانچه به شمس و قمر (آسمان-بالا-درشت) نگاه شود، بر ستاره حمل می‌گردد و چنانچه به شجر (زمین-پایین-ریز) توجه شود به گیاه بی ساق معنی می‌شود. به عبارت دیگر انتخاب کلمه طیبه‌ی "نجم"، گره گشا و حلقه‌ی واسط انتقال از آسمان (بالا) به زمین (پایین) است. الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵) وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۶)

<u>الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵)</u>	<u>وَالنَّجْمُ وَ</u>	<u>الشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۶)</u>
آسمان (بالا - درشت)	ستاره - گیاه بی ساق (آسمان و زمین)	زمین (پایین - ریز)

ب). وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (۷) وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۱۰) در این دو آیه با آوردن رفع برای سماء که بر عظمت و تسلط قدرت و فرمانروایی مطلق خداوند بر تمام عالم هستی است و وضع برای ارض که دال بر تسلیم بودن زمین و منابع آن در مقابل انسان است از صنعت مقابله بهره گرفته شده است.

بهمن ماه ۱۳۹۲

ج). رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (۱۷): بین المشرقین و المغربین صنعت تضاد است و بیانگر گستردگی دامنه ی قدرت خداوند بر گستره و پیدا و پنهان جهان هستی است.

## نتیجه گیری

۱. سوره ی الرحمن از نظر مفهوم، در بر دارنده ی تعدادی از نعمتها و عنایاتی است که پروردگار عالم بر دو موجود عظیم و یا به تعبیر خود " ثقلان یعنی جن و انس عرضه کرده است که بعد از بیان هریک از این نعمتها با تکرار آیه ی " فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ " بر آنها تأکید و از انس و جن اقرار گرفته است که مبدا تکذیب کنند و شکر آنها را به جا نیاورند.

۲. ادبیات این سوره از جهت ساختار هنری بر دو عنصر موسیقی و تصویر سازی استوار است که بُعد موسیقایی آن ناشی از فواصل و ساختار آوایی واژگان، تکرار اصوات، واژگان و جملات می باشد که در کشف زیباییهای بیانی این سوره سهیم بوده و به هنگام قرائت زیبایی و جذابیت آن آشکار می شود. و بُعد تصویر سازی آن برگرفته از عناصر علم بیان و بدیع یعنی استعاره، کنایه و البته تشبیه -با بسامد بالاتر از این دو - می باشد. استفاده از عناصر علم بیان بدین شکل است که خداوند با به تصویر کشیدن نعمتهایش به صورت محسوس و عینی و با بیان جزئیات زمینه را برای شناساندن خود به مخاطب فراهم می نماید و با در نظر گرفتن احساسات و عواطف وی، هدف اصلی خود را که هدایت است به خواننده القا نموده است.

۳. در این سوره در قالب الفاظی زیبا و دلنشین، کلامی مؤثر و بلیغ و با دقت در اسلوب بیان و چینش الفاظ علاوه بر جذابیت و خلق موسیقی، میان لفظ و معنا هماهنگی ایجاد شده است.

۴. از میان کلمات، از الفاظ مثنی که خطاب به جن و انس دو مخلوق مکلف الهی می باشند بهره گرفته شده که گمان می رود به خاطر همراهی و ملازمت این دو در امر تکلیف است و از میان افعال، فعلهای مضارع بیشتر به چشم می خورد که دال بر استمرار و تداوم نعمتهای خداوند است.

۵. کاربرد استفهام که علاوه بر اینکه موسیقی کلام را مضاعف ساخته است برای ایجاد حس شکرگزاری در مخاطب یا نوع بشر و توبیخ بر تکذیب و یا برای تأکید، بیان شده است.

بمهر ماه ۱۳۹۲

## کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. ابن جنی، ابی الفتح عثمان، (بی تا)، الخصائص، تحقیق محمد علی نجار، المكتبة العلمية
۳. ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، دار صادر، چاپ سوم
۴. انیس، ابراهیم، (بی تا)، الاصوات اللغویة، مصر، مكتبة نهضة مصر
۵. الثعالبی النیسابوری، (۱۹۹۸)، ابی منصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل، الکنایة و التعریض، و شرحه عائشة حسین فرید، قاهره، دار قباء للطباعة و النشر و التوزیع عبده غریب
۶. الجارم، علی و مصطفى امین، (۱۹۹۹)، البلاغة الواضحة، بیروت، المكتبة العلمية
۷. جرجانی، عبدالقاهر، (۲۰۰۶)، اسرار البلاغة بتعلیق عرفان مطرجی، الطبعة الاولى، مؤسسه الكتب الثقافية.
۸. خسروی، کبری، علی نظری و سمیرا جدی، تصویرپردازی انسان در عرصه قیامت (در جزء سی ام قرآن کریم)، نشریه مشکوة، سال سی و دوم، شماره ۱۱۸، بهار ۱۳۹۲، صص ۴-۲۹.
۹. الرماني، ابی الحسن علی بن عیسی، (۱۹۳۴)، النکت فی اعجاز القرآن، دهلی، مكتبة الجامعة الملية الاسلامية.
۱۰. الزركشى، الامام بدر الدين محمد بن عبدالله، (۱۴۰۴)، البرهان فی علوم القرآن بتحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، الجزء الاول، قاهره، مكتبة دار التراث.
۱۱. الزمخشري، جارالله محمود (۱۴۰۷.ق) الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، چاپ سوم، ج ۳، بیروت، دارالكتاب العربي.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، تفسیر الكشاف ترجمه ی سید محسن موسوی زاده، بی جا.
۱۳. صافی، محمود بن عبد الرحیم (۱۴۱۸ ق.)، الجدول فی اعراب القرآن، دمشق - بیروت، دار الرشید مؤسسه الإيمان.
۱۴. صالح، رفیق احمد معین، (۲۰۰۳)، دراسة اسلوبیة فی سورة مریم، جامعة النجاح الوطنية، كلية الدراسات العليا.

بمهر ماه ۱۳۹۲

۱۵. الطباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق) المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، ج ۱۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴)، ترجمه‌ی تفسیر المیزان، چاپ پنجم، ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم،
۱۷. الطبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، (۲۰۰۵)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار و مکتبه‌الہلال،
۱۸. عباس، حسن، (۱۹۹۸)، خصائص الحروف العربیة و معانیها، منشورات اتحاد الکتاب العرب
۱۹. عکاشة، محمود، (۲۰۰۶)، علم اللغة مدخل النظری فی اللغة العربیة، القاهرة، دار النشر
۲۰. العلوی الیمنی، (۱۹۱۴)، یحیی بن حمزه، الطراز المتضمن لاسرار البلاغة و علوم حقائق الاعجاز، الجزء الثالث، مصر
۲۱. الکرمانی، محمود بن حمزه، (بی تا)، اسرار التکرار فی القرآن به تحقیق و دراسة عبد القاهر احمد عطا، دار الفضیلة
۲۲. فاضلی، محمد، (۱۳۸۸)، دراسة و نقد فی مسائل بلاغیة هامة، چاپ سوم، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی،
۲۳. فضل، صلاح، (۱۹۹۸)، علم الاسلوب مبادئه و اجراءاته، الطبعة الاولى، قاهره، دار الشروق
۲۴. قطب، سید، (۱۴۰۰)، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق
۲۵. قطنانی، خلیل عبد القادر، (۱۹۹۹)، جنه فی القرآن باشراف یحیی عبد الرئوف جبر، فلسطین، جامعه‌ النجاح الوطنی، کلیة الدراسات العلیاء
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۶)، تفسیر نمونه، تهران، چاپخانه‌ی مدرسه‌ی امیر المؤمنین.
۲۷. الملائکه، نازک، (۲۰۰۰)، قضايا الشعر المعاصر، ط ۱۱، بیروت، دار العلم للملایین.
۲۸. نظری، علی و کبری خسروی و سمیرا جدی، سبک شناسی سوره تکویر، فصلنامه قرآن و علوم بشری، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱، صص ۱۱-۳۷.
۲۹. نظری، علی، بست واژگانی (میثاق غلیظ) و سیستم شبکه واژگان موسایی در حوادث داستان قرآنی موسی (ع)، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، اولین همایش اعجاز قرآن کریم، سیزدهم اردیبهشت ۱۳۹۱.



# دومین همایش ملی اعجاز قرآن



بهارن ماه ۱۳۹۲

۳۰. نظری، علی و معصومه یوسفوند، اعجاز لفظی قرآن کریم از منظر تناسب و بست کلمات طیبه، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، اولین همایش اعجاز قرآن کریم، سیزدهم اردیبهشت ۱۳۹۱.

۳۱. مهیار، رضا، (بی تا)، فرهنگ ابجدی، (عربی-فارسی)، بی جا

۳۲. الهاشمی، احمد، (۱۹۹۹)، جواهر البلاغة فی المعانی والبیان و البدیع، تصحیح مصطفی یوسف الصمیلی، بیروت، المكتبة العصرية

۳۳. هوکنز، جوینز، جون وستون و جولیا سوانل، (بی تا)، قاموس آکسفورد، المعجم انگلیزی-عربی، اکادیمیا